

وصیت نامہ سیاسی - الہی

امام خمینی



پروپش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

بسم پروردگار مجید قائل بر صل بر صحرایه و در سیم آله آرزو کنیم تسلیین کتاب هر وقت که می خواند آن زمان نیز مانتی

بیرا تا برود

و کلمه بگویم که هم صریح کند ملاحظه بر جانک و جدا کند و قرآن بر آن که این کتاب نیز بدین وجه بیان شده
حق است قرآن و سوره سید عزیز که همین کتاب عالمی است و سوره سوره انجیل و سوره انجیل است که در آن
و کلمه بگویم تسلیین ذکر هم نه در حقیقت است غیر و سوره سوره انجیل که تمام قرآن را در آن است و در آن است
که قرآن آن بر تمام عالم و در آن است که در آن است و در آن است که در آن است و در آن است که در آن است
طاعت او کنیم صحیح است و نه در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
با اینکه که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
فنا بر این مدتی که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
تا برسد و در سیم هر چه بر یک در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
تا دله که کلمه در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
تا برسد و در سیم که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
مدتی است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
با این که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
حجت تابع است بر هیچ بشری و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
مسیران باشند و اگر در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
بر کتاب خدا این دو عالم را و اگر در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
که بر آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
ص ۴۳

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:
أتى تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي
أهل بيتي فإنهما لن يفترقا حتى يردها عليّ
الحوض.

الحمد لله وسبحانك اللهم صلّ على
محمد وآله مظاهر جمالك وجلالك وخزائن
أسرار كتابك الذي تجلّى فيه الاحدية
بجميع أسمانك حتى المستأثر منها الذي
لا يعلمه غيرك واللعن على ظالميهم أصل
الشجرة الخبيثة.

وبعد اینجانب مناسب می دانم که
شمه ای کوتاه وقاصر در باب ثقلین تذکر
دهم، نه از حیث مقامات غیبی و معنوی
و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است از
جسارت در مرتبه ای که عرفان آن بر تمام
دائرة وجود از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا
تا لاهوت و آنچه در فهم من و توانید
سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم
ممتنع است. و نه از آنچه بر بشریت گذشته
است از مهجور بودن از حقایق مقام والای
ثقل اکبر و ثقل کبیر که از هر چیز اکبر
است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است و نه
از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از
دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شمارش
آن برای مثل منی میسر نیست با قصور
اطلاع و وقت محدود، بلکه مناسب دیدم
اشاره ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این
دو ثقل گذشته است بنمایم.
شاید جمله لن يفترقا حتى يردها عليّ

الحوض اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود
مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر
دیگری گذشته است و مهجوریت هریک
مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو
مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند. و
آیا این حوض مقام اتصال کثرت به وحدت
است و اضمحلال قطرات در دریا است یا
چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی
ندارد و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان
بر این دو و دیمه رسول اکرم
صلی الله علیه وآله وسلم گذشته بر امت
مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که
قلم از آن عاجز است.

و ذکر این نکته لازم است که حدیث
ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و
کتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا کتب
دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از
پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به طور
متواتر نقل شده است و این حدیث شریف
حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه
مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه
مسلمانان که حجت بر آنان تمام است
جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای
جاهلان بی خبر باشد برای علمای مذاهب
نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب
خدا این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام
صلی الله علیه وآله وسلم. مسائل
أسف انگیزی که باید برای آن خون گریه

کرد، پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت‌های ضدقرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دریافت کرده بودند و ندای انّی تارک فیکم الثقلان در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستورزندگانی مادی و معنوی بود و هست از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است.

و هرچه این بنیان کج به جلو آمد کجی‌ها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده علم الأسماء را از شر شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاء الله معصومین علیهم صلوات الأولین و الآخیرین بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است

بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گوئی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مُردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی الله علیه وآله وسلم و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می‌گفت گوئی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی دین شده بود و اکنون نیز است.

و اخیراً قدرتهای شیطانی بزرگ به وسیله حکومت‌های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند برای محو قرآن و تشبیت مقاصد شیطانی ابرقدرتها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حیل شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعض آخوندهای بی‌خبر از

مقاصد اسلامی هم مداح او بودند و می بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضدقرآنی می کند و وهابیت این مذهب سراپا بی اساس و خرافاتی را ترویج می کند و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرتها می دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره برداری می کند.

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که منی خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم میزند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می کشاند، نجات دهد. و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب این بنده را شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است.

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالا قرین کتاب رهائی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما

است.

ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم آلا ف التحیات والسلام که به قدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی علیهما السلام و صحیفه سجادیه این زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.

ما مفتخریم که باقرالعلوم بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام، مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است.

و ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله و سلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائرانه و

طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و افشار مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سرازیر نشاخته جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیرو جوان و خُرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنائی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند خارج نموده‌اند. و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه در می‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیها سلام الله فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه

چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جثات نعیم است چه رسد بمتاع ناچیز دنیا، و ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند و در رأس آنان آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلم‌ها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را به هر جنایتی می‌کشاند. و ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت‌پیشه دوره‌گرد، و حسن و حسنی مبارک هم‌آخور با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به آمریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملت‌های خود روی گردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام علفی است که دوست و دشمن او را به خیانت کاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ‌نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت

ایران نباشد و ما و ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغات جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرت‌های جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند.

کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه ادعاهایش و همه سازوبرگ‌های جنگیش و آن همه دولت‌های سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروت‌های بی‌پایان ملت‌های مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء آن چنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شنود و این نیست جز به مدد‌های غیبی حضرت باری تعالی جلت عظمته که ملت‌ها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نمود.

من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پای بند بوده و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرتها چه عمال خارجی و چه عمال

داخلی بدتر از خارجی تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکنند و بدانند که هر چه رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اُشْتَلَم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را، هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد إِنَّهُ وَلِيُّ الْيَقِيمِ و بی‌دیه ملکوت کلّ شیء و با کمال جِدّ و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راه‌نمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جان‌فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنتی که بیان‌گر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملتها است چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند و به وسواس ختاسان معاند با حق و مذهب گوش فرادهند و بدانند قدمی انحرافی مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین صلوات وافر الهی و انبیاء و ملائکة الله و صلحاء بر روح بزرگ حماسی او باد هیچگاه غفلت نکنند.

و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است تمام، فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الأبد. و می دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنت الله علیهم با آن که آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است. و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق علیهم سلام الله به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود این خائنین به حرم بزرگ الهی لعنت الله و ملائکتکته ورسله

علیهم است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر علیهم صلوات الله وسلم.

و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم الشأن ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد.

از خداوند عزوجل عاجزانه خواهانم که لحظه ای ما و ملت ما را به خود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود به این فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه ای دریغ نفرماید.

روح الله الموسوی الخمینی



بسم الله الرحمن الرحيم

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است به قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والا تر و برتر است، اینجانب روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مأیوس نیستم و زادراه پرخطر همان دل بستگی به کرم کریم مطلق است به عنوان يك نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقاء دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هر چه بیشتر آن دارم به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسل های عزیز آینده مطالبی هر چند تکراری عرض می نمایم و از خداوند بخشاینده می خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید.

۱- ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت يك جمعیت سی و شش میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ضدروحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنیهای بی حساب قلم داران و زبان مردان در مطبوعات و سخنرانی ها و مجالس و محافل ضد اسلامی و ضد ملی به صورت ملیت و

آن همه شعرها و بذله گوئیها و آن همه مراکز عیاشی و فحشاء و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند به فساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خائنانه که به دست شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه های قدرتمندان بر ملت تحمیل می شد و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می شد با به کار گرفتن معلمان و استادان غرب زده یا شرق زده صددردم مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح با نام ملیت و ملی گرایی گرچه در بین آنان مردانی متمهد و دلسوز بودند لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی توانستند انجام دهند و با این همه و دهها مسائل دیگر از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد الله اکبر و فداکاریهای حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شك نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت

مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این يك تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.

۴ - اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگریها و چپاول گریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که بر خلاف مکتبهای غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و برفه آن کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیاء عظام از آدم علیه السلام تا خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم در راه آن کوشش و فداکاری جان فرسا نموده اند و

هیچ مانعی آنان را لزاین فریضه بزرگ باز نداشته و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم صلوات الله با کوششهای توان فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده اند و امروز بر ملت ایران خصوصاً و بر جمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقاء آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرتهای عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند.

اینجانب که نفس های آخر عمر را می کشم به حسب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقاء این ودیعه الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آن را تهدید می کنند برای نسل حاضر و نسل های آینده عرض می کنم و توفیق و تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم.

الفداء بی تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دورکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت

کلمه برای همان انگیزه و مقصد.

اینجانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد، و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقاء آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی‌جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام توان خود را صرف شایعه‌ها و دروغ‌های تفرقه افکن نموده‌اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می‌کنند. بی‌انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه و مع‌الأسف در بین آنان از سردمداران و حکومت‌های بعضی کشورهای اسلامی که جز به منافع شخصی خود فکر نمی‌کنند و چشم و گوش بسته تسلیم آمریکا هستند دیده می‌شود و بعضی از روحانی‌نماها نیز به آنان ملحقند. امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است. توصیه اینجانب به مسلمین و خصوصاً ایرانیان بویژه در عصر حاضر آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود به هر راه ممکن افزایش دهند و

کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

ب- از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملتها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است، گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام يك دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه شیطنت‌آمیز به گونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترك دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلك انبیاء عظام است و مع‌الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه يك گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند و این

فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود. گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضمندانه خود را به بی اطلاعی می زنند زیرا اجراء قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کج رویها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خود کفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی يك جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مثابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام با نوآورها مخالف است همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می گفت که اینان می خواهند با چارپایان در این عصر سفر کنند يك اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآورها، اختراعات و ابتکارات و صنعتهای پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد،

هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت، مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه ای می گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشاء حتی هم جنس بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می کنند. و اما طایفه دوم که نقشه مودیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می دانند باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وآله آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبتها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومتهای جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی و خلفاء اول اسلامی حکومتهای وسیع داشته اند و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با همان انگیزه به طور وسیع تر و گسترده تر از واضحات تاریخ است و پس از آن به تدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه وآله بسیارند. اینجانب در این وصیت نامه با اشاره می گذرم ولی امید آن دارم که نویسندگان

و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند. و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیاء علیهم السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند.

ج- و از همین قماش توطئه‌ها و شاید

موزیانه‌تر شایعه‌های وسیع در سطح کشور و در شهرستان‌ها بیشتر بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شعف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت‌رهای یابند، گرفتاریک رژیم بدتر شدند، مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف‌تر شدند زندان‌ها پر از جوانان که امید آتیه کشور است می‌باشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیر انسانی‌تر است، هر روز عده‌ای را اعدام می‌کنند به اسم اسلام، و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام‌آور غوطه می‌خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند، اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجراء می‌شود و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هر چند روزیک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سرزبان‌ها می‌افتد. در تاکسی‌ها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می‌شود و مع‌الأسف بعض روحانیون که از حيله‌های شیطانی بی‌خبرند با تماس یکی دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است و

اساس مسئله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می شنوند و باور می کنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاری های عظیم اجتناب ناپذیر آن ندارند. چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه به سود اسلام است ندارند و چشم بسته و بی خبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته اند.

اینجانب توصیه میکنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می گذشته است و قبل از توجه به گرفتاری های این کشور طاغوت زده از ناحیه رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپاولگری هایشان برای این دولت به ارث گذاشته اند، از وابستگی های عظیم خانمان سوز تا اوضاع وزارتخانه ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیاشی و مغازه های مسکرات فروشی و ایجاد بی بندوباری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستان ها و دانشگاه ها و اوضاع سینماها و عشرتکده ها و وضعیت جوان ها و زنها و وضعیت روحانیون و متدینین و آزادی خواهان متعهد و بانوان عقیف ستم‌دیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی به زندان ها

و کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه داران و زمین خواران بزرگ و محسوران و گران فروشان و رسیدگی به دادگستری ها و دادگاه های انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضاء دولت و استانداری ها و سایر مأمورین که در این زمان آمده اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهادسازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده های شهدا و آسیب دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه های پی در پی آمریکا و وابستگان خارج و داخلش، اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع و هرج و مرج هایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان نادان در دست اجراء است و ده ها مسائل دیگر. تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده ها امروز طفلی تازه پا و ولیده ای است محفوف به دشمن های خارج و داخل رحم کنید و شما اشکال تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر

نیست به جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکوشید و به جای طرفداری از منافقان و ستم گران و سرمایه داران و محترکران بی انصاف از خدا بی خبر، طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید و به جای گروه های آشوب گر و تروریستهای مفسد و طرفداری غیر مستقیم از آنان توجهی به ترورشدگان از روحانیون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشید؟

اینجانب هیچگاه نگفته و نمی گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی کنند، لکن عرض می کنم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می کنند و ملت ده ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند و اگر این اقلیت اشکال تراش و کارشکن به کمک بشتابند تحقق این آمل آسان تر و سریع تر خواهد بود و اگر خدای نخواست اینان به خود نیابند، چون توده میلیونی بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است آمل انسانی اسلامی به خواست خداوند متعال جامه عمل به طور چشم گیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند. من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت

حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه وآله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله وسلامه علیهما می باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله صلی الله علیه وآله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی کردند و با بهانه هایی به جبهه نمی رفتند که خداوند تعالی در سوره توبه با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بد رفتاری کردند و از اطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است، و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهداء علیه السلام آن شد که شد و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. و ما امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری ها می کنند و چه حماسه ها می آفرینند. و می بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکهای ارزنده می کنند. و می بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبرو

منحرفان شهید شدند، و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان، نوارهای این شهیدان تا حدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد. ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.

برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی خوانید. ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی با قلب های جوان شما بازی کنم. من برای آنکه شما جوانان شایسته ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید، تا سعادت هر دو جهان را دریابید. و از خداوند غفور می خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته ما و شما با رحمت و اسعه خود بگذرد. شماها نیز در خلوتها از خداوند همین را بخواهید، که او هادی و رحمن است.

و يك وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملتهای مبتلا به حکومت های فاسد و در بند قدرتهای بزرگ می کنم. اما به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمائید و در راه آن که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این

می شوند و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارك رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هستند و نه در محضر امام معصوم صلوات الله علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندی تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم.

و اینجانب در اینجا يك وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می کنند و به جوانان چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده اند می نمایم که بی طرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده های محروم و گروه ها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می کنند و گروه ها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هواداران شان و تغفیر موضعهایشان در پیشامدهای مختلف را با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و

صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ** و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید و دولت و مجلس را از خود بدانید و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نورچشمان ما و اولیاء نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره‌آورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومت‌های طاغوتی را که چپاولگرانی بی‌فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمائید. البته با اعمال انسانی که شایسته برای يك حکومت اسلامی است.

و اما به ملت‌های اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت‌های جائز خود را در صورتی که به خواست ملت‌ها که خواست ملت ایران است سرفرود نیاوردند، با تمام قدرت به جای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و غرب می‌باشند و اُکیداً توصیه می‌کنم که به بوق‌های تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرانهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه

بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تأمین شود. ده از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سالهای طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روش‌های مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوا کشاندن روحانیت است که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع الأسف به واسطه بی‌خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشم‌گیری گرفته شد از يك طرف از دبستانها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاهها از بین غرب‌زدگان یا شرق‌زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام به خصوص و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان متفر باشند. و اینان را عمال انگلیس در آن زمان و طرفدار سرمایه‌داران و زمین‌خواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می‌نمودند. و از طرف

دیگر با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی دینی و بی بندوباری و مخالف با مظاهر اسلام و ادیان متهم می نمودند. نتیجه آنکه دولتمردان، مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند و توده های مردم که علاقه به دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است باشند و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخائر ملت در جیب آنان سرازیر شود چنانچه دیدید به سر این ملت مظلوم چه آمد و می رفت که چه آید. اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها بند اسارت را پاره و سد قدرت ابرقدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند، توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم تر و استوارتر سازند و از نقشه ها و توطئه های دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود در صدد است بذرففاق بین آنان افکنند او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تأثیر نکرد از

او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می توان گرفت و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می خواهد انحراف ایجاد کند او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند. و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است و توطئه ها در دانشگاه ها از عمق ویژه ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه ها باشند.

هـ- از جمله نقشه ها که مع الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را بهیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والا تر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیر قابل اجتناب معرفی نمودند. و قصه این امر غم انگیز طولانی و ضربه هایی که از آن خورده و اکنون نیز می خوریم کشنده و کوبنده است. و غم انگیزتر اینکه آنان ملتهای ستم دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگهداشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی شان ترسانده اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و

همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکاء نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی آنها را به خورد ملتها داده و می دهند. فی المثل اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می آورند و از گهواره تا قبر به هر چه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم گذاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب و اگر واژه های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر و اگر نام خودی دارند سربه زیر عقب افتاده اند. خیابانها، کوچه ها، مغازه ها، شرکتهای داروخانه ها، کتابخانه ها، پارچه ها و دیگر متاعها

هر چند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی مآبی از سرتا پا و در تمام نشست و برخاست ها و در معاشرت ها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل آداب و رسوم خودی، کهنه پرستی و عقب افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل باید به خارج رفت و دکتورها و اطباء دانشمند خود را محکوم و مایوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه و آمریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه پرستی و عقب ماندگی است. بی اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه های روشنفکری و تمدن، در مقابل تعهد به این امور نشانه عقب ماندگی و کهنه پرستی است. اینجانب نمی گویم ما خود همه چیز داریم. معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً در سده های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدنها و یا ناچیز دیدنها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و

تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هرچه بیشتر که خود داستان های غم انگیز دارد و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشاء و عشرتکده ها و دهها از این مصائب حساب شده برای عقب نگه داشتن کشورهاست. من وصیت دلسوزانه و خادمانه می کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود زیاد و چشم گیری از بسیاری از این دام ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه ها و امثال آن باشند و همه دستها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان اینها را به راه اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمتهای ارزان تر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می توانیم.

باید هشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگیها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم

ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم داشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان های شبیه به اینان به آن رسیده اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکاء به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب. و بر دولتها و دست اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند و از جوانان، دختران و پسران می خواهم که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج فدای تجملات و عشرتها و بی بندوباری ها و حضور در مراکز فحشاء که از طرف غرب و عنمال بی وطن به شما عرضه می شود، نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی کنند و می خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان نیمه وحشی نگهدارند.

و- از توطئه‌های بزرگ آنان چنانچه اشاره شد و کراً تذکر داده‌ام، به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشه آنان برداشتن روحانیون از سرراه و منزوی کردن آنان است یا با سرکوبی و خشونت و هتاکی که در زمان رضاخان عمل شد، ولی نتیجه معکوس گرفته شد، یا با تبلیغات و تهمتها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیل کرده و به اصطلاح روشن فکر که این هم در زمان رضاخان عمل می شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون خشونت ولی مودبانه. و اما در دانشگاه، نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشته کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارت زدگی و غرب زدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی زحمت و بی خرج و در جوامع ملی بی سروصدا هرچه

هست به جیب آنان می ریزد. پس اکنون که دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است.

و اینجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می دارد با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپرید. و به همه نسل های مسلسل توصیه می کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرق زدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.

و- از مهمات امور تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صلحها بسیار غم انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از

هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد و چه مصیبت‌ها و خسارتهای جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال يك اکثریت قلابی منحرف در مقابل يك اقلیت مظلوم موجب شد که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً آمریکا خواستند با دست همین منحرفان از خدا بی‌خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه هیچگاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد. قبل از رضاخان با تصدی غرب‌زدگان و مثنی‌خان و زمین‌خواران و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن.

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم الشان سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود. وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم به سوی غرب یا شرق و بدون گرایش به مکتبهای انحرافی و

اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی به مجلس بفرستند و به جامعه محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم وصیت می‌کنم که خود را در مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس کنار نکشند و بی‌تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنج‌ها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غرب‌زدگان سپردند و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد.

اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطه نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپ‌اولگر بین‌المللی هستند

با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملت‌ها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد.

و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد و به اقلیتهای مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته به قدرتهای جهان‌خوار و بدون گرایش به مکتبهای الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند. و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواستہ از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آید. و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده، که با کمال دقت و قدرت و وظایف اسلامی و ملی خود را ایفاء و تحت

تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند. از این قرار عدم دخالت ملت از مراجع و علماء بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی، و چه بسا که در بعضی مقاطع عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.

پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و الا کار از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس

نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ‌علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد و در تعیین رئیس‌جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل‌کرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتها به تقوی و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده و با علماء و روحانیون باتقوی و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده و توجه داشته باشند رئیس‌جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج‌گرسنگان و پابرنه‌گان را نمی‌توانند بفهمند.

و باید بدانیم که اگر رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود و همین معنی در انتخاب خیرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود که اگر خیرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علماء بزرگ سرتاسر

کشور و متدینین و دانشمندان متعهد به مجلس خیرگان بروند بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر باصل یکصدونهم و یکصدودهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خیرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند.

و وصیت اینجانب بر رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان نمایند که رهبری فی‌نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام‌الایی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواست با هوای نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد. از خداوند متان هادی با تضرع و ابتهال می‌خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی

سفید در حضرت خود پذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف تر برای رؤساء جمهور حال و آینده و دولتها و دست اندرکاران به حسب درجات در مسئولیتها نیز است که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد.

ح- از مهمات امور، مسئله قضاوت است که سروکار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی ترین مقام قضایی که در عهده دارند کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه دار و صاحب نظر در امور شرعی و اسلامی و در

سیاست را نصب نمایند و از شورای عالی قضایی می خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم انگیزی درآمده بود با جدیت سروسامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند و با پشتکار و جدیت به تدریج دادگستری را متحول نمایند و قضات دارای شرایطی که انشاء الله با جدیت حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می شوند و معرفی میگردند به جای قضاتی که شرایط مقرره اسلامی را ندارند نصب گردند که انشاء الله تعالی به زودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند. و به

قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می کنم که با در نظر گرفتن احادیثی که از معصومین صلوات الله علیهم در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه در باره قضاوت به غیر حق وارد شده است این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز نزنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند و بدانند که همانطور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است و می دانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است.

ط- وصیت اینجانب به حوزه های مقدمه علمیه آن است که کراماً عرض نموده ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می نمایند و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه های علمیه است که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جازدن خود را در بین توده ها و قشرهای مردم پاکدل و

علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف از ملی‌گراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی‌نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسان‌ترند ذخیره دارند که گاهی سی‌چهل سال با مشی اسلامی و مقدس‌مآبی یا پان‌ایرانیسم و وطن‌پرستی و حیل‌های دیگر با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل مجاهد خلق و فدایی خلق و توده‌ایها و دیگر عناوین دیده‌اند و لازم است همه با هشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازم‌تر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیه آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه‌دار است با تأیید مراجع وقت. و شاید تنظیم در بی‌نظمی است از القائات شوم همین نقشه‌ریزان و توطئه‌گران باشد. در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است که علماء و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً

حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند و لازم است علماء و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقه است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریق مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد و البته در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی‌الله رزقنا الله وایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد.

ی- از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوه اجرائیه است گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آنرا تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید لکن به دست مجریان غیر صالح که افتاد آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با کاغذبازی‌ها یا پیچ‌وخمها که به آن عادت کرده‌اند یا عمداً برای نگران

نمودن مردم عمل کنند که به تدریج و مسامحه غائله ایجاد می کند.

وصیت اینجانب به وزراء مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه ها بودجه ای که از آن ارتزاق می کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم شاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید شماها کنار گذاشته می شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم پیشگانی پستها را اشغال می نمایند بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر ملت بنمائید و از رفتار غیر اسلامی انسانی احتراز نمائید و در همین انگیزه به وزراء کشور در طول تاریخ آینده توصیه می کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکمفرما باشد. و باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل

مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند، مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه ها را در خارج از کشور دارد. اینجانب از ابتداء پیروزی به وزراء خارجه راجع به طاغوت زدگی سفارتخانه ها و تحول آنها به سفارتخانه های مناسب با جمهوری اسلامی توصیه هایی نمودم، لکن بعضی آنان یا نخواستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند و اکنون که سه سال از پیروزی می گذرد اگرچه وزیر خارجه کنونی اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد و وصیت من به وزراء خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه ها و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتیهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمائید و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده ای داشته باشد یا منفعت و فائده ای در حال داشته باشد لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شما است. و وصیت من به ملت های کشورهای

اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می بخشد قیام کنید و علماء اعلام و خطباء مجترم کشورهای اسلامی دولتها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید و نیز ملتها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده و اگر این برادری ایمانی با همت دولتها و ملتها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود.

و وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون در این زمان که دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه های گروهی وابسته بقدرتهای بزرگ هستیم. چه دروغها و تهمت‌ها که گویندگان

و نویسندگان وابسته بابرقدرتها باین جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمیزند مع الأسف اکثر دولتهای منطقه اسلامی که بحکم اسلام باید دست اخوت بما دهند بعداوت با ما و اسلام برخاسته اند و همه در خدمت جهانخواران از هر طرف بما هجوم آورده اند و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و میدانید که امروز جهان روی تبلیغات میچرخد و با کمال تأسف، نویسنندگان باصطلاح روشنفکر که به سوی یکی از دو قطب گرایش دارند به جای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند خودخواهی ها و فرصت طلبی ها و انحصارجویی ها به آنان مجال نمی دهد که لحظه ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند و مقایسه بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانه ارزنده را توأم با بعض آنچه را که از دست داده اند که رفاه و عیش زدگی است، با آنچه از رژیم ستم شاهی دریافت می کردند توأم با وابستگی و نوکرمآبی و ثناجویی و مداحی از جرثومه های فساد و معادن ظلم و فحشاء بسنجند و از تهمت‌ها و نارواها به این جمهوری تازه تولد یافته دست بکشند و با ملت و دولت دو صف واحد بر ضد طاغوتیان و ستم پیشگان زبان‌ها و قلم‌ها را به کار بگیرند.

و مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت

ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی نماید اسلام جهان گیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد نتوانسته اند این گوهر گران بها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراریند.

که از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاهها است که به واسطه اهمیت فوق العاده اش تکرار نموده و با اشاره می گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز

میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارت زده تحمیل نمی شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی شد و هرگز ذخایر ایران و طلای سیاه این ملت رنج دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته های به آن اموال ملت را نمی توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوه قضائیه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه می گرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود و اگر شخصیتهای پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می کند از دانشگاهها به مراکز قوای سه گانه راه می یافت، امروز ما غیر امروز و میهن ما غیر این میهن و محرومان ما از قید محرومیت رها و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده ها که هر یک برای تباہ نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود درهم پیچیده و این ارث کشور بریاده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود دانشگاهها اگر اسلامی انسانی ملی بود می توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه

تحويل دهد لکن چه غم انگیز و اسف بار است که دانشگاهها و دبیرستانها به دست کسانی اداره می شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غرب زدگان و شرق زدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاهها کرسی داشتند و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرتها بزرگ شده و به کرسیهای قانونگذاری و حکومت و قضاوت تکیه می کردند و بر وفق دستور آنان یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می کردند اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصاب که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

ل- قوای مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته ها و بسیج و عشائر و ویژگی خاصی دارند اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می باشند و نگهبان سرحدات و راهها و

شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت می باشند، می بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند و لازم است توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره برداری برای قدرتهای بزرگ و سیاستهای مغرب بیشتر از هر چیز و هر گروهی است، قوای مسلح است. قوای مسلح است که با بازیهای سیاسی، کودتاها و تفسیر حکومتها و رژیمها به دست آنان واقع می شود و سودجویان دغل بعضی سران آنان را می خرند و با دست آنان و توطئه های فرماندهان بازی خورده کشورها را به دست می گیرند و ملت های مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب می کنند و اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی آید و یا اگر احیاناً پیش آید به دست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند.

و در ایران نیز که این معجزه عصر به دست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و میهن دوست سهم به سزایی داشتند و امروز که جنگ لغنتی و تحمیلی صدام تکریتی به امر و کمک آمریکا و سایر قدرتها پس از نزدیک به دو سال با شکست سیاسی و نظامی ارتش متجاوز بعث و پشتیبانان قدرتمند و وابستگان به آنان روبرو است باز قوای

مسلح نظامی و انتظامی و سپاهی و مردمی با پشتیبانی بی دریغ ملت در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها این افتخار بزرگ را آفرینند و ایران را سرافراز نمودند و نیز شرارتها و توطئه‌های داخلی را که به دست عروسکهای وابسته به غرب و شرق برای براندازی جمهوری اسلامی بسیج شده بودند با دست‌توانای جوانان کمیته‌ها و پاسداران بسیج و شهربانی و با کمک ملت غیرتمند درهم شکسته شد. و همین جوانان فداکار عزیزند که شبها بیدارند تا خانواده‌ها با آرامش استراحت کنند. خدایشان یار و مددکار باد.

پس وصیت برادرانه من در این قدمهای آخرین عمر بر قوای مسلح بطور عموم آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاء الله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید بیدار باشید و هشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه‌ای غرب و شرق زده و دستهای مرموز جنایتکاران پشت‌پرده لبه تیز سلاح خیانت و جنایت کارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است و می‌خواهند از شما عزیزان که با جانفشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند و شما را با اسم اسلام و خدمت به میهن و ملت از اسلام و ملت جدا کرده به دامن یکی از دو قطب جهان‌خوار بیندازند

و برزحمات و فداکاریهای شما با حیل‌های سیاسی و ظاهری به صورت اسلامی و ملی خط بطلان بکشند.

وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همانطور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگاهدارند. در این صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که بی اشکال به تباهی کشیده می‌شوند و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد و من به همه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادی خواهی است و خداوند

متعال همه را با نور هدایت آن به مقام
والای انسانی دعوت می کند چنانچه امروز
وفادارید در وفاداری استقامت کنید که
شما را و کشور و ملت شما را از ننگ
وابستگیها و پیوستگیها به قدرتهایی که
شما را جز برای بردگی خویش نمی خواهند
و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار
مصرف و زیر بار ننگین ستم پذیری
نگهمیدارند نجات می دهد و زندگی
انسانی شرافتمندانه را ولوبا مشکلات بر
زندگانی ننگین بردگی اجانب ولوبا رفاه
حیوانی ترجیح دهید و بدانید مادام که در
احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را
پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر
را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در
اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و به
خوبی و عینیت دیدید که در این مدت
کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از
ساختن هر چیز خود را عاجز می دیدند و از
راه انداختن کارخانه ها آنان را مأیوس
می نمودند افکار خود را به کار بستند و
بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه ها را
خود رفع نمودند. و این جنگ و تحریم
اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی
تحفه ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم.
اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای
جهانخواران را خود تحریم کنند و به
کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند امید
است که کشور خود کفا شود و از در یوزگی
از دشمن نجات یابد.

و هم در اینجا باید بیفزایم که احتیاج
ما پس از این همه عقب ماندگی مصنوعی
به صنعتهای بزرگ کشورهای خارجی
حقیقتی است انکارناپذیر، و این به آن
معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته به
یکی از دو قطب وابسته شویم. دولت و
ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان
متعهد را در کشورهای که صنایع بزرگ
پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر
نیستند بفرستند و از فرستادن به آمریکا و
شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این
دو قطب هستند احتراز کنند، مگر انشاء الله
روزی برسد که این دو قدرت به اشتباه خود
پی برند و در مسیر انسانیت و انسان دوستی
و احترام به حقوق دیگران واقع شوند، یا
انشاء الله مستضعفان جهان و ملت های بیدار و
مسلمانان متعهد آنان را به جای خود
نشانند. به امید چنین روزی.

م- رادیوتلوویزیون و مطبوعات و سینماها
و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخریب
ملتها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در
این صد سال اخیر به ویژه نیمه دوم آن چه
نقشه های بزرگی از این ابزار چه در تبلیغ
ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و چه
در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده
شد و از آنها برای درست کردن بازار
کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر
قماش، از تقلید در ساختمانها و تزئینات و
تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و
پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند به

طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن به ویژه در خانمهای مرفه یا نیمه مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیر ممکن و برای هم ردیفان نیز مشکل می نمود. فیلمهای تلویزیون از فرآورده های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود حتی فرهنگ و ادب و مآثر پرارزشی که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان، به کتابخانه ها و موزه های غرب و شرق منتقل گردید کشاند.

مجله ها با مقاله ها و عکسهای افتضاح بار و اسف انگیز و روزنامه ها با مسابقات در مقالات ضد فرهنگی خویش و ضد اسلامی با افتخار مردم به ویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می کردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازیها و مشروبات الکلی بویژه آنچه از غرب وارد می شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسکها و اسباب بازیها و

کالاهای تجملی وارد می شد و صدها چیزهایی که امثال من از آنها بی اطلاع هستیم و اگر خدای نخواستہ عمر رژی به سر سپرده و خانمان برانداز پهلوی ادامه پیدا می کرد چیزی نمی گذشت که جوانان برومند ما این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنها است با انواع دسیسه ها و نقشه های شیطانی به دست رژیم فاسد و رسانه های گروهی و روشنفکران غرب و شرق گرا از دست ملت و دامن اسلام رخت بر می بستند یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه می کردند و یا به خدمت قدرتهای جهانخوار درآمده و کشور را به تباهی می کشاندند. خداوند متعال به ما و آنان منت گذاشت و همه را از شر مفسدین و غارتگران نجات داد.

اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادیهای مخرب

باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می باشند مردم و جوانان حزب اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشد.

نه نصیحت و وصیت من به گروهها و گروهکها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید، به شماها که خود را عالم و عاقل می دانید باید آموخته باشد که مسیر یک ملت فداکار را نمی شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازیهای بی سروپا و غیر حساب شده منحرف کرد و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمی توان با این شیوه های غیر انسانی و غیر منطقی ساقط نمود، بویژه ملتی مثل ایران را که از بچه های خردسالتش تا پیرزنهای پیرمردهای بزرگ سالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جانفشانی و فداکاری می کنند. شماها که می دانید (و اگر ندانید بسیار ساده لوحانه فکر می کنید)

که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانه شما و جنایاتی که با تحریک شما رخ داد آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید. من وصیت خیرخواهانه در این آخر عمر به شما می کنم که اولاً با این ملت طاغوت زده رنج کشیده که پس از دو هزار و پانصد سال ستمشاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستیز برخاسته اید چطور وجدان یک انسان هر چه پلید باشد راضی می شود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ آنها رحم نکند. من به شما نصیحت می کنم دست از این کارهای بی فایده و غیرعاقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست زدید به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است و جمهوری اسلامی و ملت از شما انشاء الله می گذرند و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید و آلا در هر جا هستید عمر خود را بیش

از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است. و بعد به هواداران داخلی و خارجی آنان وصیت می کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهان خوار خدمت می کنند و از نقشه های آنها پیروی می کنند و ندانسته به دام آنها افتاده اند به هدر می دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می کنید؟ شما بازی خوردگان دست آنها هستید و اگر در ایران هستید به عیان مشاهده می کنید که توده های میلیونی به جمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند و به عیان می بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند و آنان که به دروغ ادعای خلقی بودن و مجاهد و فدایی برای خلق می کنند، با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خانه های مجلل تیمی با زندگی اشرافی نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می دهند و شما جوانان را به کام مرگ می فرستند.

نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید و با محرومین جامعه که با

جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می کنند متحد شوید و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید. تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت طلبی خویش می نمایند؟ شما در این سالهای پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است و می دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می رسد و شائبه قدرت طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید. خداوند متان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را به شما بنماید.

وصیت من به چپ گرایان مثل کمونیستها و چریکهای فدایی خلق و دیگر گروههای متمایل به چپ آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتبها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتبها و خصوصاً اسلام اطلاع صحیح دارند با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی

که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شده که دل خود را به چند ایسم که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده اید و شما را چه انگیزه‌ای وادار کرده که می خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید و با ملت خود به اسم توده دوستی به جنگ برخاسته یا به توطئه‌هایی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده‌های ستم‌دیده دست زدید؟ شما می بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب و انحصار طلب ترین حکومت‌های جهان بوده و هستند. چه ملت‌هایی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده‌ها خُرد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیرمسلمانان، تاکنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا می زنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالا تر از اختناق‌های دیکتاتورهای جهان به سر می برند. استالین، که یکی از چهره‌های به اصطلاح درخشان حزب بود، ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم. اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می دهید مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان می سپارند و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید بر این خلق محروم دز هرجا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط

طرفدار پروپا قرص خود معرفی می کردید و عده بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید. چه جنایتها که نکردید. و شما طرفدار خلق محروم می خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را به دست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش فدایی خلق و طرفدار محرومین در حال اجراء هستید، منتهی حزب توده و رفقای آن با توطئه وزیر ماسک طرفداری از جمهوری اسلامی و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار.

من به شما احزاب و گروهها چه آنان که به چپ‌گرایی معروف گرچه بعض شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست آمریکایی هستند و چه آنان که از غرب ارتزاق می کنند و الهام می گیرند و چه آنها که با اسم خودمختاری و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدمت‌های فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می شوند، مثل حزب دموکرات و کومله وصیت می کنم که به ملت پیوندند و تاکنون تجربه کرده اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده اند و نمی توانند بکنند، پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریک مساعی نموده و از یاغی‌گری و خدمت به بیگانگان و خیانت به میهن خود دست بپرازند و به ساختن

کشور بپردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می دهد.

و وصیت من به گروههای مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احياناً به شرق تمایل نشان می دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد گاهی طرفداری می کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می کردند و طعن می زدند آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهامت اسلامی به خطای خود اعتراف و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید و کلام مرحوم مدرس آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم. من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می کنم اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیاء عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده

است و ما باید از آن تبعیت کنیم و باید به خود بیاورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی ها زندگی کنند می توانند و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند. از افغانستان عبرت باید گرفت با آنکه دولت غاصب و احزاب چپی با شوروی بوده و هستند تاکنون نتوانسته اند توده های مردم را سرکوب نمایند.

علاوه بر این اکنون ملت های محروم جهان بیدار شده اند و طولی نخواهد کشید که این بیداریها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه مستمگران مستکبر نجات خواهند داد و شما مسلمانان پای بند به ارزشهای اسلامی می بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می دهد و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خود کفایی پیشروی می کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می دادند امروز به طور چشمگیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و انشاء الله تعالی در درازمدت انجام خواهد گرفت و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کشیف محمدرضا تحقق نیافت و اگر شده بود ایران غارت زده غیر از این ایران بود.

و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال تراشان و صاحب عقدگان آن است که به جای آنکه

وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار برید و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرتها سوق دهید با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را که بسیار می شود خود انسانها از آن بی خبرند بررسی کنید ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جیبه ها و در شهرها نادیده می گیرید و با ملتی که می خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته اید و به اختلاف انگیزی و توطئه های خائنه دامن می زنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز می کنید. آیا بهتر نیست که با فکر و قلم و بیان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمایی برای حفظ میهن خود نمایید؟ آیا سزاوار نیست که به این ملت مظلوم محروم کمک کنید و با یاری خود حکومت اسلامی را استقرار دهید؟ آیا این مجلس و رئیس جمهور و دولت و قوه قضایی را از آنچه در زمان رژیم سابق بود بدتر می دانید؟ آیا از یاد برده اید ستم هایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم بسی پناه

روا می داشت؟ آیا نمی دانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای آمریکا بود و با آن، عمل یک مستعمره می کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخایر آن چه می کردند؟ آیا اشاعه فحشاء در سراسر کشور و مراکز فساد از عشرتکده ها و قمارخانه ها و میخانه ها و مغازه های مشروب فروشی و سینماها و دیگر مراکز که هر یک برای تباہ کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود در خاطر تان محوشده؟ آیا رسانه های گروهی و مجلات سراسر فساد انگیز و روزنامه های آن رژیم را به دست فراموشی سپرده اید؟

و اکنون که از آن بازارهای فساد اثری نیست برای آنکه در چند دادگاه یا چند جوان که شاید اکثر از گروه های منحرف نفوذ کرده و برای بدنام نمودن اسلام و جمهوری اسلامی کارهای انحرافی انجام می دهند و کشتن عده ای که مفسد فی الارض هستند و قیام برضد اسلام و جمهوری اسلامی می کنند شما را به فریاد درآورده و با کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می کنند و برضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان که اسفناک تر از قیام مسلحانه است نموده اند پیوند می کنید و دست برادری می دهید و آنان را که خداوند مهدورالدم فرموده نور چشم می خوانید و در کنار بازی گرانی که فاجعه

۱۴ اسفند را برپا کردند و جوانان بی گناه را با ضرب و شتم کوبیدند نشسته و تماشاگر معرکه می شوید، یک عمل اسلامی و اخلاقی است و عمل دولت و قوه قضائیه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای اعمال خویش می رسانند شما را به فریاد درآورده و داد مظلومیت می زیند من برای شما برادران که از سوابقتان تا حدی مطلع و علاقه مند به بعضی از شما هستم متأسف هستم نه برای آنان که اشراری بوده اند در لباس خیرخواهی و گرگهایی در پوشش چویان و بازیگرانی بودند که همه را به بادبازی و مسخره گرفته و در صدد تباه کردن کشور و ملت و خدمتگزاری به یکی از دو قطب چپاولگر بودند.

آنان که با دست پلید خود جوانان و مردان ارزشمند و علماء مربی جامعه را شهید نمودند و به کودکان مظلوم مسلمانان رحم نکردند خود را در جامعه رسوا و در پیشگاه خداوند قهار مخدول نمودند و راه بازگشت ندارند که شیطان نفس اماره بر آنان حکومت می کند لکن شما برادران مؤمن، با دولت و مجلس که کوشش دارد خدمت به محرومین و مظلومین و برادران سروپا برهنه و از همه مواهب زندگی محروم نماید چرا کمک نمی کنید و شکایت دارید؟ آیا مقدار خدمت دولت و بنیادهای جمهوری را با این گرفتاریها و نابسامانیها که لازمه هن انقلاب است و جنگ تحمیلی با آن همه خسارت و میلیونها آواره خارجی

و داخلی و کارشکنی های بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نموده اید آیا نمی دانید که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریباً به شهرها آن هم به محلات مرفه و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهره ناپجیز داشته یا نداشتند و دولت فعلی و بنیادهای اسلامی برای این طایفه محروم با جان و دل خدمت می کنند شما مؤمنان هم پشتیبان دولت باشید تا کارها زود انجام گیرد و در محضر پروردگار که خواهناخواه خواهید رفت با نشان خدمتگزاری به بندگان او بروید. (این مقدار بریده شده را خودم انجام دادم).

س- یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است آن است که اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند. گرچه بعضی کج فهمان بی اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده اند و با زهم دست برنداشته اند که اسلام طرفدار بی مرز و حد سرمایه داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده اند چهره نوزانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مفرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به

گرفته و یک حزب اقلیت با توده‌های انسانی مثل حیوانات عمل می‌کنند، حمایت می‌کنند.

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس‌جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپ‌اولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند. و به ثروتمندان و پول‌داران مشروع وصیت می‌کنم که ثروت‌های عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است.

و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکن‌دار به طور داوطلب برای زاغه و چپ‌رنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای

اسلام بتازند و آن را رژیم‌ی چون رژیم سرمایه‌داری غرب مثل رژیم آمریکا و انگلستان و دیگر چپ‌اولگران غرب به حساب آورند و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندان و یا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام شناسان واقعی با اسلام به معارضه برخاسته‌اند و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس‌بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده دربر داشته بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر به حق به آن عمل شود چرخ‌های اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد.

در اینجا نیز یک دسته با کج‌فهمی‌ها و بی‌اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعضی آیات یا جملات نهج‌البلاغه اسلام را موافق با مکتبهای انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج‌البلاغه ننموده و سر خود، به فهم قاصر خود، بپاخاسته و مذاهب اشتراکی را تعقیب می‌کنند و از کفر و دیکتاتوری و اختناق کوبنده که ارزشهای انسانی را نادیده

آپارتمانها باشد.

ع- وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و به مخالفان توطئه‌گرو و بازیگران سیاسی کمک و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بی‌خبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمکهای کلان می‌نمایند آن است که شماها طرفی از این غلط کاری‌ها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببینید بهتر آن است که اگر برای دنیا باین عمل دست زده‌اید و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید، تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم همصدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت به دست آمده حمایت کنید که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید. و اما به آن دسته که از روی بعضی اشتباهات یا بعضی خطاها چه عمدی و چه غیر عمدی که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت

صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق و باز توجه نمایند که در انقلابهای دنیا هرج و مرج‌ها و غلط روی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها غیر قابل اجتناب است و شما اگر توجه نمائید و گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حمله مسلحانه خارج مرز و داخل و نفوذ غیر قابل اجتناب گروههایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی و تازه کار بودن اکثر یا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانی که از استفاده‌های کلان غیر مشروع بازمانده یا استفاده آنان کم شده و کمبود چشمگیر قضات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمر شکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر که تا انسان وارد گود نباشد از آنها بی‌خبر است. و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمایه‌دار هنگامت که با رباخواری و سودجویی و با اخراج ارز و گران‌فروشی به حد سرسام آور و قاچاق و احتکار، مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار قرار داده و جامعه را به فساد می‌کشند، نزد شما آقایان به شکایت و فریب کاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن

به عنوان سهم مبلغی می دهند و اشک تمساح می ریزند و شما را عصبانی کرده به مخالفت برمی انگیزانند، که بسیاری از آنان با استفاده‌های نامشروع خون مردم را می مکند و اقتصاد کشور را به شکست می کشند. اینجانب نصیحت متواضعانه برادرانه می کنم که آقایان محترم تحت تأثیر اینگونه شایعه سازیها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیه الله روحی فداه یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد. بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می رسد و محرومان جهان که به اسلام و حکومت اسلامی رو آورده و دل باخته اند مأیوس می شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد و شماها روزی از کردار خود پشیمان می شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد.

و آن روزی که انشاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود. بلکه با کوششها و فداکاری‌ها ستمکاران سرکوب و منزوی می شوند. و اگر نظر شماها مثل

نظر بعضی عامی‌های منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود فان الله وانا الیه راجعون.

ف- وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورهای یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما شماها لا اقل در این صدسال اخیر که به تدریج پای قدرتهای بزرگ جهان‌نوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخ‌های صحیح برای ما بازگو کردند که هیچیک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند. بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند و یا آنکه دست‌نشانده‌گان قدرتهای بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هر چه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیل‌های مختلف کشورها

را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملتها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند. و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان ترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

ص - یک مرتبه دیگر در خاتمه این وصیتنامه به ملت شریف ایران وصیت می کنم که در جهان حجم تحمل زحمت ها و رنج ها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علورته آن است. آنچه را که شما ملت شریف و مجاهد برای آن پیاخاستید و دنبال می کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می کنید

والا ترین و بالا ترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده و کوشش تمام انبیاء عظام علیهم سلام الله و اولیاء معظم سلام الله علیهم برای تحقق آن بوده و راه یابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی نهایت جز با آن میسر نگردد، آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سر و عنل حاصل نشود.

شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است. بیایید آن را یا نیابید شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیاء علیهم سلام الله و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیاء شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را احلی من العسل می دانند و جوانان شما در چپه ها جرعه ای از آن را نوشیده و به وجد آمده اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید به حق بگوئیم یا لیتنا کنا معکم

فنفوز فوزاً عظيماً گوارا باد بر آنان آن نسیم دل آرا و آن جلوه شورانگیز و باید بدانیم که طرفی از این جلوه در کشتزارهای سوزان و در کارخانه های توان فرسا و در کارگاهها و در مراکز صنعت و اختراع و ابداع و در ملت به طور اکثریت در بازارها و خیابانها و روستاها و همه کسانی که متصدی این امور برای اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و خودکفائی کشور به خدمتی اشتغال دارند جلوه گر است. و تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر انشاء الله تعالی مصون است. و بحمدالله تعالی حوزه های علمیه و دانشگاهها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفعه الهی غیبی برخوردارند و این مراکز درست در اختیار آنان است و به امید خدا دست تبهکاران و منحرفان از آنها کوتاه.

و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفائی و استقلال با همه ابعادش به پیش و بی تردید دست خدا با شما است اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد

با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمن و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امید دارم که عذرم را در کوتاهی ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در سد آهنین ملت خلی حاصل نخواهد شد که خدمتگزارانی بالا و والا تر در خدمتند و الله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است.

والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین
ورحمت الله وبرکاته

۲۶ بهمن ۱۳۶۱ - ۱ جمادی الاولی ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

این وصیت نامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخواند و در صورت عذر، رئیس محترم جمهوری یا رئیس محترم شورای اسلامی یا رئیس محترم دیوانعالی کشور، این زحمت را بپذیرند و در صورت عذر، یکی از فقهای محترم نگهبان این زحمت را قبول نماید.

روح الله الموسوی الخمینی

بیتکه در ذریع حیات نامه ۲۹ ص ۲۹۲

- (۱) چون گویم حافظ پیشتر شاعر و قسبت بر جان خود میگذارد و چون است بر نوزخ در جمیع آن افزوده نموده اند و چون گویم در نوزخ است و شاعر باشد خود تصدیق نکند که صدای و خط و نشان باشد و تصدیق لا شکی نیست و در سایر موارد نیز گویم
- (۲) شماره حال میرداماد که در میرداماد پیشتر شاعر و قسبت بر جان خود میگذارد و چون است بر نوزخ در جمیع آن افزوده نموده اند و چون گویم در نوزخ است و شاعر باشد خود تصدیق نکند که صدای و خط و نشان باشد و تصدیق لا شکی نیست و در سایر موارد نیز گویم
- (۳) در مقام آنکه میرداماد که در میرداماد پیشتر شاعر و قسبت بر جان خود میگذارد و چون است بر نوزخ در جمیع آن افزوده نموده اند و چون گویم در نوزخ است و شاعر باشد خود تصدیق نکند که صدای و خط و نشان باشد و تصدیق لا شکی نیست و در سایر موارد نیز گویم

(۴) در مقام آنکه میرداماد که در میرداماد پیشتر شاعر و قسبت بر جان خود میگذارد و چون است بر نوزخ در جمیع آن افزوده نموده اند و چون گویم در نوزخ است و شاعر باشد خود تصدیق نکند که صدای و خط و نشان باشد و تصدیق لا شکی نیست و در سایر موارد نیز گویم

که با او در مشایخ میرداماد شاعر و قسبت بر جان خود میگذارد و چون است بر نوزخ در جمیع آن افزوده نموده اند و چون گویم در نوزخ است و شاعر باشد خود تصدیق نکند که صدای و خط و نشان باشد و تصدیق لا شکی نیست و در سایر موارد نیز گویم

در مقام آنکه میرداماد که در میرداماد پیشتر شاعر و قسبت بر جان خود میگذارد و چون است بر نوزخ در جمیع آن افزوده نموده اند و چون گویم در نوزخ است و شاعر باشد خود تصدیق نکند که صدای و خط و نشان باشد و تصدیق لا شکی نیست و در سایر موارد نیز گویم

بیتکه

این بیت نامه را بر نوزخ در جمیع آن افزوده نموده اند و چون گویم در نوزخ است و شاعر باشد خود تصدیق نکند که صدای و خط و نشان باشد و تصدیق لا شکی نیست و در سایر موارد نیز گویم